

"چهار کارکرد استوره"

[جوزف کمبل](#)

برگردان فارسی: تارنمای فرهنگ، هنر و تاریخ

از گذرگاههای نیکبختی

(نواتو، کالیفرنیا: کتابخانه جهان نو)، رویه های ۶-۱۰

۱. نخستین کارکرد استوره [این است] که در فرد حس سپاسگزاری و بیم پذیرنده یا هیبت تأییدی در برابر راز هیولایی که هستی است برانگیزد .

۲. دومین کارکرد استوره نمایاندن رخساره ای از کیهان است، رخساره ای از جهان، جهان پیرامون، که این آزمون، شکوه را نگهداری کرده برپا خواهد داشت. [یا] ... برای نمایاندن رخساره ای از کیهان که حس شکوه عرفانی شما را نگهداری می کند و هر چیزی را که در جهان پیرامون خود با آن برمی خورید روشنی می بخشد .

۳. سومین کارکرد سامانه استوره ای، ارزشدار کردن و نگهداری یک سامانه جامعه شناختی نشانزد یامعین است: فراگیری هنباز (=مجموعه ای مشترک) از درست و نادرست‌ها، شایستگی‌ها یا ناشایستگی‌ها، که گروه یا یگان اجتماعی ویژه شما برای بودنش بدان وابسته است .

۴. چهارمین کارکرد استوره روانشناختی است. آن استوره فرد را در گامه های زندگی خود، از زادن تا بُرنایی تا پیری تا مرگ، که باید از آنها گذر کند همراهی می کند. استوره باید این کار را برابر با سامانه اجتماعی گروه فرد، کیهان، آنگونه که گروهش در می یابد و راز هیولایی انجام دهد.

کارکردهای دوم و سوم در جهان ما به دستور کار سکولار واگذار شده است. کیهان شناسی ما در دست علم است. نخستین قانون علم این است که فرهود یا حقیقت پیدا نشده است. قوانین علم پیش انگاره های کاربردی هستند. دانشمند می داند که هر دم ممکن است حقایقی پیدا شود که نگره کنونی را کنار بزند . این پدیده هم اکنون پی در پی روی می دهد. سرگرم کننده است! در یک تراداد یا سنت دینی، هر چه آموزه ای کهنتر باشد، درستتر است. از سوی دیگر، در سنت علمی، پژوهشنگاشته ای که ده سال پیش نوشته شده، کهنه است. پویشی پیوسته به پیش در کار هست. از این روی هیچ قانونی، هیچ سنگ پشته ای* نیست که بتوانید بر آن بیاسایید . چیزی از این دست وجود ندارد همچون آب روان است، و ما می دانیم که سنگ ها نیز آبگونه یا سیال هستند، اگرچه گذار آن ها زمان بسیاری می برد. هیچ چیز ماندگار نیست. همه چیز دگرگون می شود. در گستره اجتماعی، باز هم، ما قوانین خود را، از دیدگاهی الهی، از سرنوشت نمی دانیم. شما همچنان هم گهگاه آن را می شنوید، مانند چالش کنونی بچه انداختن یا سقط جنین: خدا با سناتور فلانی، یا بزرگوار فلانی سخن می گوید. وگرنه منطقی نمی نماید. قانون خدا دیگر روایشی برای قوانین ملت نیست. کنگره آهنگ آن می کند که سامانه

اجتماعی چه باشد و چه نهادی باید آن آرمان یا خواسته را کارگزاری کند. ازینرو من می گویم که در این جامعه سکولار، ما، دیگر نمی توانیم به راستی کارکردهای کیهانی و جامعه شناختی را به عنوان یک چالش بیانگریم.

با این همه، در زندگی همه ما، کارکردهای یکم و چهارم همچنان جایگاهی دارند، و اینها هستند که من به آنها خواهم پرداخت. ما خودمان را از سنت های کهن دور خواهیم یافت. نخستین، چالش هیبت یا بیم است. و همانگونه که گفتم، شما می توانید یکی از سه نگرش را نسبت به آن داشته باشید. کارکرد چهارم هم اکنون روش آموزش است. اساساً کارکرد دستور آموزشی، از بُن، این است که کودک را به بلوغ رسانده و سپس به جدا شدن سالمندان کمک کند. دوران شیرخوارگی دوره فرمانبری و وابستگی است. کودک وابسته به پدر و مادر است، برای رایزنی و کمک و گواهی به پدر و مادر نگاه می کند. با این حال، زمانی فرا می رسد که فرد باید بر پای خود بایستد و نه وابسته، بلکه سرخود شود. اکنون در اینجا به جدایی بین نگرش آیینی به این چالش، و نگرش باختر زمینیانِ امروزی می رسیم. باور آیینی این است که بزرگسالی که از وابستگی به مسئولیت سرپرستی رسیده است باید بی خُرده گیری قوانین جامعه را در دست بگیرد و آنها را نمایندگی کند. در جهان ما، ما خواهان بالیدن توانمندی ارزیابی کننده فرد هستیم، که باید سامانه اجتماعی و خود را ارزیابی کند، سپس واریسی کند. این به معنای ترکاندن آن نیست. همچنین به این معنا نیست که پیش از اینکه دریابیم که چیست، آن را بترکانیم.

*Rock of Ages

? What is the meaning of the hymn "Rock of Ages"

The hymn "Rock of Ages" refers to God as a rock, an immovable constant. The metaphor refers to the all-powerful ability of God to save

?Who wrote the hymn "Rock of Ages"

The hymn "Rock of Ages" was written by Reverend Augustus Montague Toplady. He was ordained to the ministry in the Church of England. He wrote many hymns, and "Rock of Ages" is one of the most well-known

[Rock of Ages Hymn | History, Author & Meaning](#)